

انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۹۸، ۱۴۱-۱۶۹

مقاله پژوهشی

نگرش نخبگان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی - پژوهشی در مبدأ و مقصد و تأثیر آن بر گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور

سعیده بزرگ‌زاد^۱

شهلا کاظمی پور^۲

رضا علی محسنی^۳

چکیده

هدف این تحقیق سنجش نگرش نخبگان تحت پوشش بنیاد ملی نخبگان استان تهران در مورد عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی پژوهشی موجود در مبدأ و مقصد به عنوان عوامل دافعه و جاذبه و چگونگی تأثیر این عوامل بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور است. روش تحقیق، کیفی و کمی بوده، در بخش کیفی ۲۲ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته و عمیق با نمونه‌گیری هدفمند در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. مصاحبه‌ها با روش استقرایی، کدگذاری باز شده، سپس در قالب زیرطبقه و

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۱

۱ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی) saeedehbozorgzad@gmail.com

skazemipour@gmail.com

۲ دانشیار دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)،

mohseni.net14@gmail.com

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)

طبقه‌های فرعی و اصلی دسته‌بندی شدند. نتایج این مرحله نشان داد مشکلات: اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، برنامه‌ریزی، قانونی و زیرساخت‌های ارتباطی و تکنولوژیکی از عوامل دافعه مهاجرت نخبگان است. در بخش کمی با استفاده از روش پیمایش، ۲۰۰ نفر به روش خوشه‌ای و سهمیه‌ای مورد نظرسنجی قرار گرفتند. براساس نظریه‌های نظام جهانی، الگوی جهان‌گرای، لی، دوگانگی ساختاری، بحران منزلتی، سرمایه انسانی و محرومیت نسبی، عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان مورد کندوکاو قرار گرفت. بعد از تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی مشاهده شد که عوامل علمی، اجتماعی و مداخله‌گر در مقصد و عوامل اجتماعی در مبدأ بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تاثیر دارند.

واژگان کلیدی: نخبه، گرایش به مهاجرت، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل

علمی - پژوهشی

مقدمه و بیان مسئله

سرمایه انسانی یکی از عوامل مهم در توسعه ملی به شمار می‌آید. هرچه سهم نیروی انسانی متخصص در جامعه‌ای نسبت به جوامع دیگر بیشتر باشد، آن جامعه در مراتب بالاتری از رشد و توسعه قرار خواهد گرفت و یقیناً جوامع صنعتی، توسعه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی خود را مرهون وجود سرمایه‌های انسانی می‌دانند. مهاجرت و جابه‌جایی مکانی نیروی انسانی، به عنوان موضوعی پایدار در رشته‌های گوناگون علوم انسانی، توجه پژوهش‌گران را به خود معطوف داشته است. به خاطر گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری به نحوی با چالش‌های مربوط به مدیریت مهاجرت روبه‌رو هستند. مجموعه‌ای از عوامل دافع و جاذب در مبدأ و مقصد موجب بروز این مسأله اجتماعی شده‌اند. بنابراین فرآیند مهاجرت نخبگان هر جامعه به مجموعه‌ای از شکاف‌ها و نابرابری‌ها در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی مربوط می‌باشد.

مهاجرت چشم‌گیر نخبگان علمی از کشور به ویژه در سال‌های اخیر به صورت مسأله‌ای نگران‌کننده درآمده و روشن است که روند توسعه‌ی دانش و فناوری در کشور از آثار مخرب این پدیده‌ی بی‌نصیب نمانده است. در دوران جدید و همگام با تحولات شتابان آن، به ویژه با پدیده‌ی جهانی شدن فرهنگ و گسترش انقلاب ارتباطات و رسانه‌ها، شاهد ابعاد تازه‌ای از مهاجرت نخبگان علمی هستیم. اکنون شاخص‌های بنیادین توسعه دگرگون شده و شاخص بهره‌مندی از نیروهای انسانی پژوهنده، خلاق و کارا و توجه به خلاقیت‌های ذهنی و مانند آن، جای شاخص میزان تولید ناخالص ملی را گرفته است. پس پرداختن به مسأله‌ی مهاجرت نخبگان علمی، به ویژه در کشور ما اهمیت بی‌چون و چرا دارد (میرترابی و خاوری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۱)

مطابق سند راهبردی کشور در امور نخبگان^۱ (مصوب ۲۴۸ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مهرماه ۱۳۹۱)، "نخبه" به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک‌سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی ازسوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود (جانعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

دانش‌آموختگان و نخبگان دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای هستند که در صورت وجود فضاهای مناسب، قادرند توانمندی‌های خود را بروز داده و به سرمایه‌های انسانی تبدیل نمایند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان و دانش‌آموختگان سهم منابع انسانی را در تولید علم افزایش داده و توسعه مبتنی بر دانایی را با محوریت رشد انسان آگاه، خلاق و آزاد محقق خواهد کرد. سرمایه انسانی از لحاظ رفتاری مانند سرمایه فیزیکی نیست که از خود اختیاری در انتخاب فضای فعالیت نداشته‌باشد، بلکه هر فرد فرهیخته (به شرط آن‌که با مانعی جدی روبه‌رو نباشد)

۱ این بنیاد در سال ۱۳۸۳ با هدف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به کارگیری و پشتیبانی از آنان تاسیس گردید

به اختیار خود می‌تواند برای حرکت به سوی فضایی با بهروری بیشتر اقدام کند. علی‌رغم تحمل هزینه و سرمایه‌گذاری زیاد کشورهای در حال توسعه برای تربیت این منابع، این کشورها با پدیده‌ای به نام مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها روبه‌رو هستند. که این امر لطمات جبران‌ناپذیری را از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به این کشورها وارد می‌سازد و عملاً فرصت بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری را از آنها سلب می‌نماید (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲).

طبق آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان، رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا بوده و همچنین مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا است (دفتر بخش جمعیت سازمان ملل، ۲۰۱۳). بنابر گزارش سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو، ۲۰۱۵)، تخمین زده می‌شود دانشجویان ایرانی در سال ۲۰۱۵ بیش از ۳۲۰ میلیون دلار وارد چرخه اقتصاد آمریکا کرده باشند. این میزان سرمایه‌ای که از کشور خارج شده، تقریباً نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان است. و در رده‌بندی، ایران از بین ۱۵ کشور اول دنیا از نظر تعداد دانشجوی در آمریکا طی سالهای ۱۵-۲۰۱۴، با تعداد ۱۰ هزار و ۱۹۴ دانشجو بعد از مکزیک رتبه یازدهم را به خود اختصاص داده است. براساس گزارش بنیاد ملی نخبگان (۱۳۹۷)، طی ۱۸ سال (۱۳۹۶-۱۳۷۸) دو درصد از کل دانشجویان ایرانی از کشور خارج و تا سال ۲۰۱۶ بیش از ۵ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور مشغول تحصیل و کار بوده‌اند. مطالعات این بنیاد حاکی از آن است که بطور متوسط ۱۵ درصد از رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ به خارج مهاجرت کرده‌اند.

شاخص جریان بالقوه مهاجرت و جذب استعدادها (نخبگانی که تمایل به ورود به کشور دارند، منهای نخبگانی که میل به خروج از کشور دارند نسبت به کل جمعیت)، برابر $0/27$ - است. یعنی اگر محدودیت‌ها حذف شود، تعداد افراد با استعداد و نخبه که از کشور خارج می‌شوند بیش از آن‌هایی است که وارد کشور می‌شوند (رصدخانه مهاجرت ایران و معاونت

علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۷۸). بر اساس گزارش موسسه اروپایی مدیریت کسب و کار در سال ۲۰۱۹، ایران از نظر شاخص جهانی رقابت پذیری استعدادها، رتبه ۹۷ را در بین ۱۲۵ کشور جهان کسب کرده است (رصدخانه مهاجرت ایران و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۷۹).

ارقام فوق نشان می‌دهد که مهاجرت نخبگان در ایران به یکی از مهمترین مسائل عمده کشور تبدیل شده و اگر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه انجام نشود، شاهد افزایش روز افزون این نوع مهاجرت‌ها خواهیم بود. همانطور که در فوق هم اشاره شد، مهم‌ترین رسالت بنیاد امور نخبگان، شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به کارگیری و پشتیبانی از آنان است. برای پاسخگویی به این اهداف می‌بایست تحقیقاتی در مورد تمایل نخبگان تحت پوشش این بنیاد ب مهاجرت به خارج از کشور و عوامل اجتماعی، اقتصادی، علمی و پژوهشی موثر بر آن مورد مطالعه قرارگیرد، تا این بنیاد بتواند در جذب و نگهداشت نخبگان موثرتر عمل نماید.

هدف کلی تحقیق حاضر سنجش نگرش نخبگان تحت پوشش بنیاد ملی نخبگان در مورد عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی پژوهشی موجود در مبدأ و مقصد و چگونگی تأثیر هر یک از این عوامل بر گرایش آن‌ها به مهاجرت به خارج از کشور است.

پیشینه تجربی تحقیق

در مورد عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان در ایران و جهان تحقیقات متعددی انجام شده است، که در ذیل برخی از آنها ارائه می‌گردد:

سید خلیل حسینی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود تحت عنوان، "عوامل موثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته"، با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) و با انتخاب ۴۰۵ نفر از دانشجویان نخبه دانشگاه‌های دولتی و آزاد در شهر تهران و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ نفر از نخبگان مهاجر ساکن آمریکا، به این نتیجه رسید که گرایش

نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته، ۵۶ درصد زیاد، ۲۹ درصد متوسط و ۱۵ درصد کم بوده است و عدم امنیت شغلی، عدم رفاه اجتماعی، بی‌توجهی به استعداد نخبگان، عدم برخورداری از حقوق شهروندی، عدم امنیت اقتصادی و عدم انگیزه تحصیلی به عنوان عوامل دافعه مبدأ و سبک زندگی مدرن، امکان پیشرفت تحصیلی، فضای جذب نخبگان و فضای درون خانواده به عنوان عوامل جاذبه مقصد برای مهاجرت نامبرده شده‌اند.

کیانی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف "ارائه مدل ساختاری از عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه در دانشگاه سمنان"، از طریق مصاحبه با استفاده از روش پژوهش، توصیفی - همبستگی و مبتنی بر معادلات ساختاری و در جامعه و نمونه آماری، شامل دانشجویان (دختر و پسر) استعداد درخشان دانشگاه سمنان (۱۱۴ نفر) به این نتیجه رسیدند که عوامل علمی، آموزشی و روان‌شناختی به ترتیب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

جوادزاده (۱۳۹۴) در تحقیق "علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا"، با استفاده از روش پیمایش در میان دو جامعه آماری (۱۰۰ نفر از دانشجویان فوق لیسانس و دکترای رشته‌های فنی که برای ادامه تحصیل و کار به کشور آمریکا مهاجرت نموده بودند و ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف)، به این نتیجه رسید که متغیرهای سبک زندگی، ساختار روابط اداری مراکز علمی و اجرایی کشور و قوانین اجرایی کشور به عنوان عوامل دافعه در مبدأ و دستیابی به امکانات رفاهی، شغلی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج به عنوان عوامل جاذبه در مقصد در مهاجرت نخبگان اثر داشته است.

اسماعیل‌زاده و ذاکر صالحی (۱۳۹۳)، در مطالعه "بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران"، ۶۸ اثر علمی مربوط به مسئله مهاجرت نخبگان و یا فرار مغزها را، با روش فرا تحلیل کیفی مورد بررسی، نقد و ارزیابی قرار داده‌اند. جمع‌بندی نتایج تحقیقات ارزیابی شده نشان‌داد که متغیرهای مربوط به مقصد یعنی جاذبه‌ها و قابلیت‌های کشورهای مهاجر پذیر با ۵۴,۲ درصد

مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر مهاجرت نخبگان بوده است و در مرتبه دوم، عوامل رانش در مبدأ جمعاً با ۳۲,۲ درصد و در رتبه سوم، عوامل واسطه‌ای مانند تحولات جهانی و عوامل فردی و خانوادگی با ۱۳,۶ قرار دارند.

هرکوگ و ون دولاً^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه، "انگیزه‌ها و محدودیت‌های رفتن به خارج از کشور دانشجویان هندی" به بررسی نقش سوابق و پیشینه‌های خانوادگی و فردی دانشجویان، عوامل آکادمیک، شبکه‌های اجتماعی حضور دانشجویان در فضای آکادمیک و اولویت و انگیزه‌های آنان درخصوص انتخاب مکان زندگی در خارج از کشور پرداخته‌اند. نوع دانشگاه و رشته تحصیلی یکی از عوامل قوی پیش‌بینی کننده علت رفتن دانشجویان به خارج از کشور بوده است. افرادی که اهمیت زیادی به عوامل شغلی و کار می‌دهند، فعال‌تر می‌باشند، از سویی دیگر افرادی که تمرکز زیادی بر روی خانواده و روابط دوستی و امنیت اجتماعی دارند، ترجیح می‌دهند، در هند بمانند.

ریبیارو و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، در بررسی وضعیت مهاجرت متخصصان حوزه بهداشت و پزشکی در کشور پرتغال اشاره نمودند که از اوایل دهه ۱۹۹۰ کشور پرتغال مقصد مهاجرت متخصصان حوزه مراقبت‌های بهداشتی از دیگر نقاط جهان شده بود، اما این وضعیت در حال حاضر تغییر کرده و متخصصان پرتغالی از این کشور مهاجرت می‌کنند. آن‌ها علت این امر را عمدتاً به عواملی چون جستجو برای فرصت‌های اشتغال بهتر و کسب فرصت‌های توسعه حرفه‌ای نسبت می‌دهند.

بنگ و میترا^۳ (۲۰۱۱)، در تحقیق، "فرار مغزها و نهادهای حکمرانی"، به بررسی اثر نهادهای کشور مبدأ بر سطح مهار مهاجران در آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۹۸ - ۱۹۸۸ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد متغیرهای ثبات سیاسی دولت، شکل سرمایه‌گذاری

1 Hercog & Van de Laar

2 Ribeiro & et al

3 Bang & Mitra

و کیفیت بوروکراسی در کشورهای مبدأ به‌طور قابل توجهی بر جریان مهاجرت به آمریکا تأثیر دارد و موجب کاهش این جریان در طول دوره مورد مطالعه شده است. علاوه بر این تأثیر متغیرهایی نظیر حمایت از حقوق مالکیت و شفافیت به‌طور معناداری موجب کاهش تعداد کل مهاجران و مهاجران دارای مهارت بالا به آمریکا شده است.

آکمن^۱ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مهاجرت بین‌المللی دانشجویان: بررسی و ارزیابی موردی ترکیه» نشان داد که عوامل جاذبه در قصد دانشجویان دانشگاه به مهاجرت، در جنسیت متفاوت و تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از زنان دانشجوی بوده است. تعداد عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت به‌طور معناداری با تصمیم به زندگی، کار و اقامت در خارج رابطه داشت.

موراکامی^۲ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان "فرار مغزها در ژاپن؛ تحلیلی از محققان ژاپنی ساکن آمریکا" به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عامل ایجاد انگیزه در مهاجرت در میان محققان ژاپنی، در دسترس بودن محیط تحقیقاتی عالی است که به وسیله سطح پیشرفته توسعه علم و فناوری، بودجه فراوان، کیفیت بالای امکانات، تنوع منابع انسانی، وجود داشتن فرصت بحث آزاد و کاهش مسئولیت برای انجام دادن کارهای گوناگون اندازه‌گیری شد. همچنین، محیط تحقیقاتی در تصمیم‌گیری به بازگشت به وطن مؤثر بوده است و محققانی که از محیط پژوهش مطلوب لذت برده‌اند و سطح رضایت بالایی دارند، به احتمال زیاد به میهن خود برنمی‌گردند.

در جمع‌بندی تحقیقات انجام شده می‌توان گفت که از مهم‌ترین نقاط قوت این تحقیقات، تحلیل و کنکاش در تبیین عوامل تأثیرگذار رانشی و کششی بر مهاجرت نخبگان بوده است به طوری که طیف وسیعی از عوامل مؤثر بر پدیده مهاجرت نخبگان، از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، آموزشی، علمی و خانوادگی را شامل می‌شود.

1 Akman

2 Murakami

چارچوب نظری پژوهش

در زمینه‌ی تبیین عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده که هر یک از آن‌ها به جنبه خاصی از ابعاد این نوع مهاجرت پرداخته‌اند. در این بخش مهمترین نظریه‌های مرتبط با مهاجرت نخبگان ارائه می‌گردد.

کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام‌های اقتصادی، سیاسی، خانواده، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می‌کند که کنشگران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آنها را برآورده سازند، زیرا خصایص ساخت نظام‌های اجتماعی و کنشگران هرگز در طول زمان ایستا نیستند (لهسایبی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۲).

والرشتاین در نظریه نظام جهانی پدیده مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها، بیان می‌کند که سابق بر این، تنها کار ویژه کشورهای پیرامونی، صدور مواد خام و اولیه و یا نیروی کار ارزان به مرکز بود. این به نوعی تنها نقشی بود که پیرامون بازی می‌کرد. ولی در طول قرن بیستم میلادی، خصوصاً در نیمه دوم آن، این نقش به تدریج دچار تحول شد. به این ترتیب که بر اثر پیدایش و ایجاد مراکز علمی و آکادمیک در کشورهای پیرامون، طبقه‌ای از نخبگان و استعداد‌های علمی به وجود آمدند که از این پس جزو سرمایه ملی کشورهای پیرامون بودند و از این جهت کالایی برای فرستادن از حاشیه به مرکز. که به علت ضعف کشورهای پیرامون و سوء مدیریت، نبود زیرساخت‌های علمی، تخصصی، صنعتی، بیکاری، فقر، فقدان آزادی‌های مدنی و فردی و ده‌ها علل و انگیزه دیگر، کشورهای پیرامون از نگهداری و به صورت بالقوه درآوردن توانمندی‌های انسانی این گروه از نخبگان ناتوانند. از این رو در این کشورها شاهد پدیده فرار مغزها یا نخبگان، به مرکز که همان اروپای غربی، شمالی و ایالات متحده آمریکا باشد هستیم (محمودیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۳۱).

در الگوی جهان‌گرای جانسون^۱ مطرح شده، سرمایه انسانی، همانند سرمایه فیزیکی، از مناطق یا مشاغلی که دارای بازده پایین‌تری است به سمت مناطق یا مشاغل دارای بازده بیش‌تر جریان می‌یابد. در این الگو، پدیده فرار مغزها، نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی بر سرمایه انسانی و نیروی فکری است. بر این اساس، «سرمایه انسانی از موقعیت تحصیلی و شغلی ضعیف یا از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت نقطه مقابل آن، یعنی امکانات تحصیلی بالا، مشاغل پردرآمد و مناطق جغرافیایی مناسب‌تر انتقال می‌یابد (سیدمیرزایی، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۴).

اورت لی^۲ در نظریه جاذبه و دافعه، عواملی را که در تصمیم‌گیری برای مهاجرت موثر است را در چهارگروه، الف) عوامل برانگیزنده و یا بازدارنده موجود در مبدأ، ب) عوامل برانگیزنده و یا بازدارنده موجود در مقصد، ج) موانع موجود در جریان مهاجرت و د) عوامل شخصی خلاصه کرد. و معتقد است، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکنند مهاجرت عینیت می‌یابد (لی، ۱۹۶۶، به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

طرفداران نظریه دوگانگی ساختاری معتقدند که دوگانگی‌های موجود در ساختارهای کلان اجتماعی در شکل دادن عمل کارگزاری انسانی برای مهاجرت نخبگان تأثیر دارد (ارشاد، ۱۳۸۰: ۳۶۸).

طرفداران نظریه بحران منزلتی اعتقاد دارند، چنانچه افراد متخصص و نخبه در جامعه، منزلت و جایگاهی در خور شأن خود نداشته باشند، ممکن است تصمیم به مهاجرت به مکانی بگیرند که فضای عمومی و اجتماعی در آن، جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قائل است (گلداسمیت^۳، ۱۹۹۶، به نقل از: سلمان‌ی و شریعت: ۱۳۹۷: ۱۶۴).

1. Johnson
2. Everett, S, Lee
3. Goldsmith

نظریه محرومیت نسبی بیانگر آن است که احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب، تحت شرایط خاصی، موجب مهاجرت می‌شود. براساس این نظریه، زمانی که جامعه به تأمین نسبی نیازهای افراد قادر نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش می‌یابد. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در چنین شرایطی احتمال وقوع آن افزایش می‌یابد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۶).

در جمع‌بندی می‌توان گفت اکثر نظریه پردازان، عوامل مؤثر بر مهاجرت سرمایه انسانی را به دو بخش تقسیم می‌کنند: عوامل رانش در مبدأ و عوامل کشش در مقصد. برخی از نظریات، علل مهاجرت نخبگان را، اختلال در کارکرد نهادهای اقتصادی، سیاسی و سازمانهای آموزشی و پژوهشی، ضعف و نبود مدیریت در کشورهای پیرامون (توسعه نیافته و یا در حال توسعه)، امکانات تحصیلی و شغلی بالا در مناطق جغرافیایی مناسب‌تر، دوگانگی ساختارهای کلان اجتماعی، عدم توجه به شأن و منزلت نخبگان و عدم استفاده کافی از نیروها و سرمایه‌های انسانی در کشورهای مبدأ دانسته‌اند که به تعبیری هرکدام از آنها به عنوان یک عامل دافعه مبدأ و یا جاذبه مقصد به حساب می‌آیند. در این تحقیق برای تنظیم چارچوب نظری و فرضیات تحقیق، از نظریات جاذبه دافعه اورت لی، نظریه کارکردگرایان مبنی بر برآورده نشدن نیازهای افراد در جامعه، نظریه نظام جهانی والرشتاین در مورد ضعف و سوء مدیریت کشورهای پیرامون، الگوی جهان‌گرای جانسون مبنی بر مهاجرت سرمایه انسانی و نیروهای فکری از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت مناطق با امکانات تحصیلی و شغلی بالاتر، نظریه دوگانگی ساختاری آنتونی گیدنز در مورد عملکرد ساختارهای کلان اجتماعی در شکل دادن به عمل کارگزار انسانی در تصمیم‌گیری برای مهاجرت، نظریه بحران منزلتی گلد اسمیت، و تأکید او بر نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت آنها و بالاخره نظریه محرومیت نسبی نخبگان از امتیازات اجتماعی و علمی پژوهشی استفاده کرده‌ایم.

فرضیه‌های این تحقیق که بر اساس مبانی تحقیق تنظیم شده‌اند، عبارتند از:

۱. نگرش نخبگان در مورد عوامل اجتماعی موجود در مبدأ و مقصد در گرایش (تمایل) آنها برای مهاجرت به خارج از کشور تأثیر دارد.
۲. نگرش نخبگان در مورد عوامل اقتصادی در مبدأ و مقصد در گرایش (تمایل) آنها برای مهاجرت به خارج از کشور تأثیر دارد.
۳. نگرش نخبگان در مورد عوامل علمی- پژوهشی در مبدأ و مقصد در گرایش (تمایل) آنها برای مهاجرت به خارج از کشور تأثیر دارد.
۴. نگرش نخبگان در مورد عوامل مداخله‌گر در مبدأ و مقصد در گرایش (تمایل) آنها برای مهاجرت به خارج از کشور تأثیر دارد.
۵. بین گرایش نخبگان برای مهاجرت به خارج از کشور، بر اساس ویژگی‌های جمعیتی آنها (جنس، سن، وضع تاهل، رشته تحصیلی و وضع فعالیت) تفاوت وجود دارد.

روش و داده‌های تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه ترکیبی از دو روش کیفی و کمی است. جامعه آماری تحقیق را اعضاء تحت پوشش بنیاد ملی نخبگان استان تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند، که شامل سه دسته: ۱- دانشجویان ۲- فارغ‌التحصیلان ۳- برگزیدگان رویدادهای نخبگانی هستند. که تعداد آنها بنا به اعلام این بنیاد تقریباً ۳۰۰۰ نفر (۲۰۰۰ نفر مرد و ۱۰۰۰ نفر زن) بوده است. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از نخبگان، داده‌ها گردآوری و سپس با استفاده از رویکرد تفسیر گرایی و استراتژی نظریه‌ی زمینه‌ای مورد تحلیل قرار گرفتند. سوالات اصلی و محوری برای مصاحبه شامل دو سوال: به نظر شما چرا نخبگان مهاجرت می‌کنند؟ چه عوامل اقتصادی اجتماعی و علمی- پژوهشی در مبدأ و مقصد سبب مهاجرت نخبگان می‌شود؟ بود. نتایج بدست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق، با روش استقرایی کدگذاری باز شده و کدهای باز براساس معانی مشترک ظاهری و مقایسه‌ی مداوم در قالب زیر طبقه و طبقه‌های فرعی و اصلی دسته‌بندی شدند. سپس

بر اساس نتایج بدست آمده از این مرحله پرسشنامه بخش کمی تنظیم گردید. در بخش کمی روش تحقیق، پیمایش^۱ است. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم، از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. در این بخش از تحقیق با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۰۰ نفر محاسبه گردید. برای گزینش نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سهمیه‌ای استفاده شده است. روایی سوالات پرسشنامه از نوع روایی سازه می‌باشد و پایایی^۲ آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرارگرفت. پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss انجام شد.

در ذیل تعاریف متغیرهای اصلی تحقیق ارائه می‌شود:

- **تمایل به مهاجرت:** تمایل، نوعی گرایش یا آمادگی زمینه‌ای و سازمان یافته برای اندیشیدن، احساس، ادراک و رفتار کردن نسبت به یک موضوع شناختی است و می‌توان گفت آن ساختار پایداری از باورهاست که افراد را برای رفتار انتخابی مانند مهاجرت آماده می‌سازد. به منظور سنجش این متغیر از ۹ گویه که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده، استفاده شده است.

- **عوامل اقتصادی در مبدأ:** شاخص‌هایی که برای بررسی این متغیر به کار رفته‌اند عبارتند از: عدم تعادل هزینه و درآمد در ایران، وجود فسادهای مالی در کشور از طریق ۱۵ گویه سنجش شده‌اند

- **عوامل اقتصادی در مقصد:** شاخص‌های مورد سنجش عبارتند از: امکانات زندگی، احساس امنیت اقتصادی و فرصت‌های رشد و پیشرفت، بالا بودن درآمد نخبگان در کشورهای پیشرفته و وجود امکانات رفاهی بیشتر در این کشورها، که با ۱۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

- **عوامل اجتماعی در مبدأ:** شاخص‌های این مقوله عبارتند از: عدم امنیت، احساس امنیت

1 Survey

2 Reliability

فردی و اجتماعی، فرصت‌های رشد و پیشرفت و شایسته سالاری، که با ۱۰ گویه مورد سنجیده شده‌اند.

- **عوامل اجتماعی در مقصد:** این متغیر، با شاخص احساس آزادی تفکر و اندیشه و با ۴ گویه سنجش شده است.

- **عوامل علمی-پژوهشی در مبدا:** شاخص‌های سنجش این عوامل، کارا نبودن سیستم آموزشی، ضعف مدیریت دولتی در فعالیت‌های تحقیقاتی، نظام آموزشی و اداری ناکارآمد و نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران هستند که توسط ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

- **عوامل علمی-پژوهشی در مقصد:** با شاخص تسهیلات تحقیق در مقصد و ۳ گویه سنجیده شده است.

- **عوامل مداخله‌گر در مبدا:** استفاده از رسانه، تعهد (ملی، سیاسی، ارزشی)، کاهش عرق ملی به وطن و احساس ناامیدی نسبت به آینده خود، شاخص‌های انتخابی برای سنجش عوامل مداخله‌گر در مبدا هستند که با ۹ گویه سنجیده شده‌اند.

- **عوامل مداخله‌گر در مقصد:** شاخص انتخابی، ارتباط با خارج می‌باشد که با ۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

الف) یافته‌های بخش کیفی تحقیق

در این بخش با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۲ نفر از اعضای جامعه هدف، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد کدگذاری و دسته‌بندی قرار گرفتند. در بخش کدگذاری باز ۱۰۷ مفهوم استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، با مقایسه مفاهیم مختلف، زمینه‌های مشترک بیشتری میان آن‌ها کشف شد. که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان را فراهم کرد. با استفاده از

تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است امکان‌پذیر گردید. حاصل این مرحله از فرایند پژوهش، شکل‌گیری "مولفه‌ها" است. در آخرین مرحله کدگذاری، وجوه مشترک مولفه‌های بدست‌آمده، در دسته‌بندی کلی‌تری در چارچوب "مقوله‌ها"، سامان‌دهی شدند که نتیجه آن را می‌توان در جدول ۱ مشاهده کرد. با مراجعه به این جدول می‌توان گفت، مهم‌ترین عوامل دافعه موجود در مبدأ، اجتماعی، علمی پژوهشی، اقتصادی و قانونی و مهم‌ترین عوامل جاذبه مقصد، علمی پژوهشی و اقتصادی می‌باشند. چنان‌که ملاحظه می‌شود نخبگان مورد مطالعه در بخش کیفی یعنی مصاحبه‌های عمیق با پاسخ‌های تشریحی خود، بیشتر به عوامل و مشکلات موجود در کشور (یعنی عوامل دافعه) در ابعاد مختلف برای گرایش و انگیزه نخبگان به مهاجرت خارج از کشور اشاره کرده‌اند.

جدول ۱: مهم‌ترین عوامل موثر بر تمایل نخبگان به مهاجرت از کشور براساس نتایج مطالعه کیفی

عوامل	عوامل (مؤلفه‌های) دافعه در مبدأ	عوامل (مؤلفه‌های) جاذبه در مقصد
اجتماعی	عدم نگرش نخبه محور در مدیران	احترام به عقاید افراد
	عدم حمایت شایسته مدیران از نخبگان	بالا بودن منزلت نخبگان
	محفوظ نبودن جایگاه نخبگان در کشور	آزادی ابراز عقاید سیاسی
	عدم منزلت اجتماعی کافی نخبگان در کشور	اهمیت دادن به پژوهش‌های علمی
	عدم توجه ویژه برخی مدیران به پژوهش‌های بنیادی	
	نظام بوروکراتیک حاکم بر ادارات	
	انتصاب رابطه‌ای و غیر شایسته سالار	
	متوازن نبودن سطح انتظار نخبگان با توسعه اقتصادی و اجتماعی	
اقتصادی	عدم حمایت مالی دولت از نخبگان	امنیت شغلی
	ضعف قدرت برنامه‌ریزی مالی در زندگی به واسطه تورم اقتصادی در ایران	بالا بودن سطح رفاه
	عدم امنیت اقتصادی	بالا بودن حقوق و مزایای نخبگان
	بی‌ثباتی نرخ ارز در ایران	تامین منابع مالی

ادامه جدول ۱: مهمترین عوامل موثر بر تمایل نخبگان به مهاجرت از کشور براساس نتایج مطالعه کیفی

عوامل	عوامل (مؤلفه‌های) دافعه در مبدا	عوامل (مؤلفه‌های) جاذبه در مقصد
علمی پژوهشی	تاکید بر آموزش و نه پژوهش در دانشگاه‌ها (تدریس محوری)	کیفیت بالای آموزش
	حجم پایین سرمایه‌گذاری در امور علمی و پژوهشی (دولتی و خصوصی)	امکانات بالای آموزشی و پژوهشی
	متکی بودن اعتبارات مالی دانشگاه‌ها بر بودجه‌ی دولت	رشد بالای تولید علم
	بالا بودن هزینه‌های پژوهش	سطح بالای تکنولوژی و فناوری‌های علمی
	عدم بیمه ابتکارات و اختراعات که منجر به عدم رعایت حق اختراع و ابتکار	سطح بالای امکانات تحقیقاتی
	نبود نظام و ساز و کار صحیح ارزیاب و نظارت بر اجرای طرح‌های تحقیقاتی	
	عدم تلاش دانشگاه‌ها در بازاریابی تحقیقات برای کسب درآمد	
	کمبود پارک‌های فن‌آوری و قطب‌های علمی	
	ضعف ساختار ارتباطی مراکز تحقیقاتی و محققان با مراکز پژوهشی بین‌المللی	
	کمبود قوانین حمایتی هدفمند از نخبگان	
قوانین و مقررات	تغییر هر ساله قوانین ورود و خروج از ایران	
	بی ثباتی مقرراتی و مدیریتی	
	سخت‌گیری‌های بی‌موردنسبت به پروژه‌های علمی و افزایش کاغذبازی و دخالت‌های تبعیض‌آمیز	

ب) یافته‌های بخش کمی تحقیق

در بخش کمی یا پیمایشی، ضمن پرسش چند سوال در مورد ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان، گرایش آن‌ها به مهاجرت خارج از کشور، مورد سنجش قرار گرفت. در ادامه نظر پاسخگویان در مورد عوامل اقتصادی، اجتماعی، علمی پژوهشی و مداخله‌گر در مبدأ و مقصد مورد پرسش قرار گرفتند.

جدول ۲ سیمای جمعیت‌شناختی پاسخگویان را نشان می‌دهد. بر اساس آن ۵۴ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۶ درصد زن بودند. بیشترین درصد آنها در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال (۵۱,۵ درصد) و ۳۰ سال به بالا (۲۲ درصد) قرار داشتند. ۸۲,۵ درصد مجرد و ۱۷,۵ درصد متأهل بودند. رشته‌های تحصیلی آنها به ترتیب علوم پزشکی (۲۸,۵ درصد)، علوم پایه (۲۷ درصد)، فنی مهندسی (۲۳ درصد)، علوم انسانی (۱۶ درصد) و هنر (۵,۵ درصد) می‌باشد. از نظر وضع فعالیت ۷۱ درصد دانشجوی، ۱۴ درصد شاغل، ۱۰ درصد دانشجو، شاغل، ۵ درصد بیکار و ۱ درصد بیکار قبلاً شاغل بودند.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۰۸	۵۴
	زن	۹۲	۴۶
گروه‌های سنی	کمتر از ۲۰	۱۶	۸
	۲۰-۲۴	۱۰۳	۵۱,۵
	۲۵-۲۹	۳۷	۱۸,۵
	۳۰	۴۴	۲۲
وضع تاهل	مجرد	۱۶۵	۸۲,۵
	متاهل	۳۵	۱۷,۵
رشته تحصیلی	علوم پزشکی	۵۶	۲۸,۵
	علوم پایه	۵۴	۲۷
	فنی مهندسی	۴۶	۲۳
	علوم انسانی	۳۳	۱۶
وضعیت فعالیت	هنر	۱۱	۵,۵
	شاغل	۲۸	۱۴
	دانشجو	۱۴۲	۷۱
	دانشجو و شاغل	۲۰	۱۰
	بیکار	۱۰	۶
کل		۲۰۰	۱۰۰

نتایج مربوط به متغیر تابع یعنی گرایش به مهاجرت و متغیرهای مستقل در بخش زیر ارائه می‌گردند. برای سنجش هر یک از متغیرها، تعدادی عبارت (گویه) در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف ۵ قسمتی از کاملاً موافق (نمره ۵) تا کاملاً مخالف (نمره ۱) مورد پرسش قرار گرفتند. برای سنجش تمام این ابعاد، ۷۳ گویه طراحی شدند.

پس از جمع‌آوری اطلاعات، برای ساختن شاخص گرایش به مهاجرت و ۸ شاخص مربوط به عوامل اجتماعی، اقتصادی، علمی- پژوهشی و مداخله‌گر در مبدأ و مقصد، نتایج مربوط به گویه‌های هر یک از عوامل با یکدیگر ترکیب شده و سپس دامنه بدست آمده به پنج دسته، خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تقسیم شد. که نتایج آن‌ها در دو جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳ توزیع درصد نظر پاسخگویان را در مورد ۹ گویه مربوط به گرایش نخبگان به مهاجرت، میانگین نمرات هر گویه و شاخص گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور را نشان می‌دهد. با مراجعه به این جدول ملاحظه می‌شود که میانگین نمره گویه‌های مورد پرسش از حداکثر ۴ تا حداقل ۲,۸۵ در نوسان است. گویه‌های مربوط به وجود امکانات در مقصد دارای نمرات بالاتر و گویه‌های مربوط به وابستگی به کشور، کمترین نمره را کسب کرده‌اند.

میانگین نمره گرایش نخبگان پاسخگو به مهاجرت خارج از کشور برابر ۳,۲۹ بدست آمده است. که بالاتر از حد متوسط می‌باشد (حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم به مهاجرت خارج از کشور گرایش داشته‌اند).

جدول ۳: توزیع درصد نظر پاسخگویان در مورد گویه‌های مربوط به گرایش آنها به مهاجرت از کشور

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین
۱- اگر فرصت مطالعاتی در کشور دیگری فراهم شود که بیش از کشور خودم امکان پیشرفت و ارتقا سطح مهارت را برایم فراهم سازد به آن کشور مهاجرت می‌کنم	۵۸,۸	۲۷,۶	۶,۰	۶,۵	۱,۰	۴

ادامه جدول ۳: توزیع درصد نظر پاسخگویان در مورد گویه‌های مربوط به گرایش آنها به مهاجرت از کشور

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین
۲- اگر از سوی دانشگاه‌های معتبر در خارج از کشور دعوت نامه‌ای برای شاغل شدن در آنجا فرستاده شود بهتر است که این فرصت را از دست ندهم	۵۳,۰	۲۷,۰	۱۰,۵	۸,۰	۱,۵	۳,۹۶
۳- اگر شرایط برای رفتن و اقامت دائم در کشورهای پیشرفته فراهم شود بهتر است که به آنجا بروم	۴۱,۲	۲۹,۶	۱۰,۶	۱۵,۶	۳,۰	۳,۵۵
۴- به نظر من باتوجه به نیاز کشورمان، تا آنجائیکه ممکن است باید از مهاجرت به خارج از کشور اجتناب کرد	۲۵,۰	۲۸,۵	۱۶,۵	۱۸,۵	۱۱,۵	۳,۳۱
۵- اگر بتوانم از یک کشور توسعه یافته اقامت بگیرم، حاضرم با مشکلات ناشی از اختلاف فرهنگی با مردم آنجا کنار بیایم	۳۰,۳	۲۹,۳	۱۹,۲	۱۵,۷	۵,۶	۳,۳۱
۶- اگر پس‌انداز به اندازه کافی داشتم حتماً برای مهاجرت به خارج از کشور اقدام می‌کردم	۳۸,۷	۲۰,۰	۱۴,۱	۲۱,۱	۶,۰	۳,۲۶
۷- من درصدد انجام اقامت برای مهاجرت به کشور توسعه یافته هستم	۲۲,۶	۲۵,۱	۲۶,۲	۱۹,۰	۷,۲	۳,۰۲
۸- به نظرم غم غربت و دل‌تنگی‌های ناشی از مهاجرت برایم تحمل‌پذیر نیست	۸,۶	۲۱,۸	۲۰,۳	۳۶,۰	۱۴,۲	۲,۹۸
۹- علاقمندم در کشور خودم ادامه تحصیل داده و کار کنم	۱۰,۵	۲۱,۱	۲۵,۱	۲۹,۱	۱۴,۱	۲,۸۵
شاخص گرایش نخبگان به مهاجرت	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
	۱۵,۲	۲۴,۶	۴۱,۲	۱۲,۳	۶,۷	۳,۲۹

براساس داده‌های جدول ۴ میانگین نمره ۸ شاخص، عوامل: اقتصادی، اجتماعی، علمی پژوهشی و مداخله‌گر به تفکیک در مبدا و مقصد، به ترتیب برابر با ۳،۰۵، ۱،۹۵، ۳،۰۹، ۳،۲۱، ۳،۰۴، ۳،۸۰، ۳،۱۶ و ۳،۲۷ بوده است. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که میانگین نمره نگرش پاسخگویان به عوامل مختلف موجود در مبدأ و مقصد به جز عوامل اقتصادی در مقصد، از حد متوسط (یعنی نمره ۳) بیشتر است. بنابراین بیش از نیمی از پاسخگویان، وجود عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد را در حد زیاد تأیید می‌نمایند. در میان عوامل فوق، عوامل علمی پژوهشی و مداخله‌گر در مقصد دارای بیشترین نمره میانگین هستند و در عوض عوامل اقتصادی در مقصد و عوامل علمی پژوهشی در مبدأ دارای کمترین نمره میانگین می‌باشند.

جدول ۴: توزیع درصد نظر پاسخ‌گویان در مورد عوامل مرتبط با مبدا و مقصد

عوامل	محل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
اقتصادی	مبدا	۱۴،۵	۹	۵۱،۵	۱۷	۸	۳،۰۵
	مقصد	۳	۸،۵	۲۳،۵	۱۰،۵	۵۴،۵	۱،۹۵
اجتماعی	مبدا	۹	۲۱	۴۸	۱۴،۵	۷،۵	۳،۰۹
	مقصد	۱۲	۲۰	۵۰،۵	۱۲،۵	۵	۳،۲۱
علمی پژوهشی	مبدا	۹،۵	۱۶	۴۶،۵	۲۵	۳	۳،۰۴
	مقصد	۳۸	۲۱،۵	۲۹،۵	۴،۵	۶،۵	۳،۸
مداخله‌گر	مبدا	۱۳	۳۴،۵	۲۲	۱۶،۵	۱۴	۳،۱۶
	مقصد	۱۴	۱۹،۵	۵۱،۵	۹،۵	۵،۵	۳،۲۷

ج) آزمون فرضیات

در این مطالعه چون متغیر تابع در سطح متغیر کمی و متغیرهای مستقل در سطح متغیرهای رتبه‌ای دسته‌بندی شده‌اند. برای آزمون فرضیات تحقیق، از آزمون تحلیل واریانس (آزمون F) استفاده شد، که نتایج آن به شرح جدول ۵ است. ملاک رد یا قبول فرضیه‌ها در این آزمون، سطح

معناداری (sig) در جدول خروجی است. اگر $sig < 0,05$ باشد فرض صفر رد و فرض یک تأیید می‌گردد. یعنی فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۵: آزمون میانگین نمره گرایش نخبگان به مهاجرت به تفکیک سطوح مختلف عوامل موجود در مبدأ و مقصد

Sig	آزمون F	سطوح نمره عوامل					فرضیه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴۸۵	۸۶۸	۱۸/۷	۱۹/۷	۱۷/۹	۱۸/۳	۱۸/۲	۱-۱- عوامل اقتصادی در مبدأ
۳۰۸	۱/۲۲۲	۲۱/۳	۱۹/۷	۱۸/۳	۱۶/۵	۱۸/۶	۱-۲- عوامل اقتصادی در مقصد
۰	۶/۲۳۷	۱۶/۵	۱۶/۴	۲۸/۸	۱۹	۲/۶	۲-۱- عوامل اجتماعی در مبدأ
۰	۸/۶۴۸	۲/۵	۱۹/۱	۱۸/۴	۱۵/۷	۱۴/۸	۲-۲- عوامل اجتماعی در مقصد
۷۱۳	۵۳۲	۱۸/۸	۱۸/۴	۱۸/۵	۱۹/۴	۲/۱	۳-۱- عوامل علمی پژوهشی در مبدأ
۰	۱/۴۴	۲/۲	۱۸/۶	۱۸/۱	۱۶/۱۸	۱۳/۶	۳-۲- عوامل علمی پژوهشی در مقصد
۱۴۲	۱/۷۶۶	۱۹/۳	۱۸/۶	۱۷/۲	۱۶/۹	۱۹/۲	۴-۱- عوامل مداخله‌گر در مبدأ
۱۳	۳/۲۶۵	۲/۰	۱۹/۰	۱۸/۰	۱۶/۵	۱۷/۶	۴-۲- عوامل مداخله‌گر در مقصد

نمره گرایش به مهاجرت از ۲۲,۷ تا ۲۵ متغیر است

با توجه به جدول ۵ می‌توان نتیجه گرفت، چهار فرضیه تأثیر عوامل اجتماعی در مبدأ و مقصد، عوامل علمی در مقصد و عوامل مداخله‌گر در مقصد بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأیید و سایر فرضیه‌ها رد می‌شوند.

جدول ۶: آزمون تفاوت گرایش نخبگان به مهاجرت بر اساس ویژگی‌های جمعیتی آنها

Sig	آزمون F یا T	میانگین نمره گرایش به مهاجرت	گزینه	متغیر
۳۲۹	۸۶۸	۱۸/۲۵	زن	جنس
		۱۸/۳۵	مرد	

ادامه جدول ۶: آزمون تفاوت گرایش نخبگان به مهاجرت بر اساس ویژگی‌های جمعیتی آنها

متغیر	گزینه	میانگین نمره گرایش به مهاجرت	آزمون F یا T	Sig	
گروه‌های سنی	کمتر از ۲۰	۱۹/۸۵	۱/۲۵۴	۲۹۲	
	۲۰-۲۴	۱۸/۱۵			
	۲۵-۲۹	۱۸/۵			
	۳۰	۱۷/۸۵			
وضع تاهل	مجرد	۱۸/۵۵	۲/۱۲	۵	
	متاهل	۱۴/۱۵			
رشته تحصیلی	پزشکی	۱۷/۹	۱/۳۱۲	۲۶۷	
	مهندسی و فنی	۱۹/۲			
	علوم پایه	۱۸			
	علوم انسانی	۱۷/۸			
	هنر	۱۹/۴			
وضع فعالیت	شاغل	۱۶/۹۵	۱/۳۸	۳۸۹	
	دانشجو	۱۸/۴۵			
	دانشجو و شاغل	۱۸/۵			
	بیکار	۱۸/۸۵			
کل		۱۸/۳			
نمره گرایش به مهاجرت از ۲۲,۷ تا ۲۵ متغیر است					

در آزمون تفاوت معناداری گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور بر اساس ۵ ویژگی جمعیتی آنها، طبق ارقام مندرج در جدول فوق، بین گرایش پاسخگویان به مهاجرت و وضع تأهل آنها تفاوت معنا دار وجود داشته و نمره میانگین تمایل افراد مجرد (۱۸/۶) بیش از افراد متاهل (۱۴/۲) می‌باشد. و بین گرایش پاسخگویان برای مهاجرت به خارج از کشور بر اساس جنس، گروه‌های سنی و رشته تحصیلی و وضع فعالیت تفاوت معنادار وجود نداشته است. البته

باید متذکر شد که تمایل به مهاجرت در بین افراد کمتر از ۲۰ سال (۱۹/۹)، رشته‌های هنر (۱۹/۴) و مهندسی و فنی (۱۹/۲) افراد بیکار (۱۸/۹) بیش از سایرین بوده است. در مجموع می‌توان گفت که گرایش به مهاجرت خارج از کشور در میان نخبگان، جوان‌تر، مجرد، دانشجو در رشته‌های هنر و مهندسی و بیکار بیش از سایر گروه‌ها است.

د) تحلیل رگرسیونی

در این بخش به منظور تعیین ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تابع (گرایش به مهاجرت) و معادله خط همبستگی از آزمون رگرسیون استفاده شده که نتایج تحلیل رگرسیونی در زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۷: خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد شده	ضریب خطا
۱	۰/۵۶۹	۰/۳۲۳	۶/۰۳۹	۰/۰۰۰

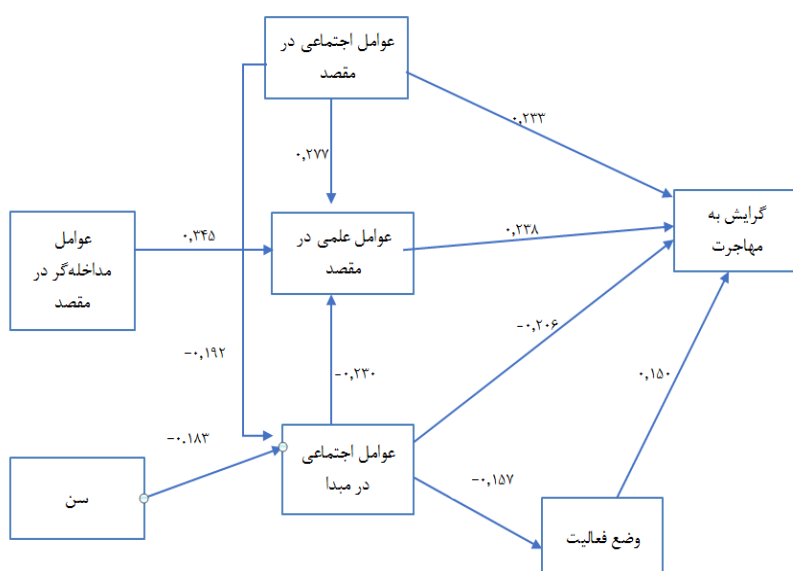
طبق جدول ۷ می‌توان گفت که برخی از متغیرهای مستقل، در تغییرات گرایش نخبگان مورد مطالعه در این تحقیق به مهاجرت با $R = 0/569$ ، تأثیر معنادار ($\text{sig} = 0,000$) دارند و ضریب تعیین یا R^2 برابر است با $R^2 = 0/323$ یعنی این متغیرها می‌توانند حدود ۳۲ درصد از تغییرات متغیر تابع یعنی گرایش به مهاجرت را تبیین نمایند.

طبق نتایج آزمون رگرسیون انجام شده، مشاهده گردید که عوامل اجتماعی در مبدأ بصورت معکوس و عوامل اجتماعی و علمی در مقصد بطور مستقیم و وضع فعالیت (با تبدیل وضع فعالیت از اسمی به رتبه ای) پاسخگویان بر تغییرات گرایش آنها به مهاجرت تأثیر دارند و شکل عمومی معادله خط رگرسیون به صورت زیر می‌باشد.

(عوامل اجتماعی در مقصد) $+1/518$ (عوامل اجتماعی در مبدأ) $-2/04$ (گرایش به مهاجرت) Y

(وضع فعالیت) $+0/682$ (عوامل علمی در مقصد) $+1/129$

در ادامه برای سنجش تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، متغیرهای مستقل بر متغیر تابع، از روش تحلیل مسیر استفاده نموده و بر اساس آن مدل تجربی تحقیق رسم شده است. در این مدل تجربی، صرفاً ضریب تأثیر متغیرهای اصلی و فرعی‌ای لحاظ شده‌اند که رابطه مستقیم یا غیرمستقیم آنها برحسب آزمون‌های آماری معنادار ارزیابی شده‌اند.



مدل ۱: مدل تجربی تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش نخبگان برای مهاجرت به خارج از کشور

طبق مدل ۱، عوامل علمی در مقصد با بیشترین ضریب (۰,۲۳۸) به صورت مستقیم بر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر دارد. پس از آن دو عامل اجتماعی در مقصد و اجتماعی در مبدأ با ضرایب (۰,۲۳۳) و (-۰,۲۰۶) به ترتیب به صورت مستقیم و معکوس بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارند به طوری که هرچه نمره عوامل اجتماعی در مقصد افزایش می‌یابد، گرایش نخبگان به مهاجرت بیشتر می‌شود و بالعکس هرچه نمره عوامل اجتماعی در مبدأ کمتر باشد، گرایش آنها به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. وضع فعالیت نیز در

گرایش به مهاجرت با ضریب (۰,۱۵۰) تأثیر دارد. در ضمن عوامل مداخله‌گر در مقصد و سن پاسخگویان به طور غیر مستقیم بر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت و جابه‌جایی مکانی نیروی انسانی، به عنوان موضوعی پایدار در رشته‌های گوناگون علوم انسانی، توجه پژوهش‌گران را به خود معطوف داشته است. به خاطر گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری به نحوی با چالش‌های مربوط به مدیریت مهاجرت روبه‌رو هستند. مجموعه‌ای از عوامل دافعه و جاذبه در مبدأ و مقصد موجب بروز این مسأله اجتماعی شده‌اند. بنابراین فرآیند مهاجرت نخبگان هر جامعه به مجموعه‌ای از شکاف‌ها و نابرابری‌ها در عرصه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی مربوط می‌باشد. مهاجرت چشم‌گیر نخبگان علمی از کشور به ویژه در سال‌های اخیر، به صورت مسأله‌ای نگران‌کننده درآمده و روشن است که روند توسعه‌ی دانش و فناوری در کشور از آثار مخرب این پدیده ی بی‌نصیب نمانده است. از این جهت بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور از مسائل اصلی جامعه امروز ایران است. در این تحقیق، پاسخ نخبگانی، مورد تحلیل قرار گرفته که دارای عنوان نخبگی و تحت حمایت بنیاد ملی نخبگان استان تهران در سال ۱۳۹۷ بودند. روش تحقیق، ترکیبی از دو روش، کیفی و کمی است. در بخش داده‌های کیفی، با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای و با اجرای مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی نتایج بدست آمده مقوله‌بندی شدند. عمده‌ترین عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد که توسط پاسخگویان در مورد گرایش و تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور مطرح شده، عبارتند از مشکلات اجتماعی (در مبدأ: عدم حمایت از نخبگان، پایین بودن منزلت اجتماعی نخبگان، پیچیده بودن نظام اداری و بوروکراتیک و انتصابات غیر شایسته‌سالار و در مقصد: احترام به عقیده افراد، بالا بودن منزلت اجتماعی افراد تحصیل‌کرده و اهمیت دادن به پژوهش‌های علمی)، اقتصادی (در مبدأ: عدم حمایت مالی از نخبگان، تورم و عدم امنیت اقتصادی و در مقصد: امنیت بالای شغلی، سطح رفاه

بیشتر اجتماعی، بالا بودن حقوق و مزایای نخبگان) و علمی پژوهشی (در مبدأ: بی‌توجهی به پژوهش در دانشگاه‌ها، بالا بودن هزینه‌های پژوهشی، عدم بیمه ابتکارات و اختراعات، فقدان ساز و کار نظارت بر اجرای طرح‌های پژوهشی و ضعف ارتباط با مراکز تحقیقاتی بین‌المللی و در مقصد: کیفیت و امکانات بالای آموزشی و پژوهشی، رشد بالای تولید علم و بالا بودن سطح فناوری و تکنولوژی). این یافته‌ها با نتایج تحقیقات هرکوگ و وندلار، ریبریو، حسینی، کیانی و جوادزاده هم‌خوانی دارند.

نتایج بخش کمی نشان داد که حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم به مهاجرت خارج از کشور گرایش داشتند. در مقایسه این نتیجه با نتیجه تحقیق حسینی که تمایل به مهاجرت جامعه مورد بررسی: ۵۶ درصد زیاد، ۲۹ درصد متوسط و ۱۵ درصد کم بود تا حدودی مشابهت دارد. بنابراین می‌توان گفت که سه چهارم از نخبگان در حد زیاد و متوسط برای مهاجرت به خارج از کشور و استفاده بیشتر از توانمندی‌های خود تمایل دارند.

بررسی روابط چند متغیری میان تک تک متغیرهای اصلی و متغیر وابسته نشان داد که ۴ متغیر: عوامل علمی و اجتماعی در مقصد، عوامل اجتماعی در مبدأ و وضع فعالیت پاسخگویان بطور مستقیم و عوامل مداخله‌گر در مقصد و سن بطور غیر مستقیم، بر متغیر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر دارند. نتایج حاصل از بررسی روابط چند متغیری میان متغیرها از طریق تحلیل رگرسیونی، نشان داد که، عوامل علمی در مقصد (شامل وجود فضای مناسب برای بروز لیاقت‌ها و شایستگی‌های تحصیلی، رشد کیفی آموزشی و وسعت گرایش‌های علمی در دانشگاه‌های خارج) با بیشترین ضریب تأثیر (۰,۲۳۸) به صورت مستقیم بر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر دارد. این یافته با نظریه نظام جهانی والرش‌تاین و الگوی جهان‌گرای جانسون انطباق دارد. همچنین با نتایج یافته‌های حسینی، هرکوگ و وندولار و ریبریو هم‌خوانی دارد. پس از آن عوامل اجتماعی در مقصد (شامل منزلت بالای اجتماعی تحصیل‌کردگان، قابل احترام بودن عقاید

افراد و امکان ابراز عقاید سیاسی) با ضریب تأثیر ۰,۲۳۳، به صورت مستقیم بر گرایش نخبگان به مهاجرت تاثیر داشته است. این یافته، نظریات دوگانگی ساختاری و بحران منزلتی را تأیید می‌نماید. همچنین مؤید یافته‌های اسماعیل زاده و ذاکر صالحی، جوادزاده و بنگ و میترا است. سپس عوامل اجتماعی در مبدأ (شامل در حاشیه قرار داشتن افراد تحصیل کرده و نخبه، عدم دخالت مهارت و شایستگی در جذب و استخدام‌ها، پرتنش بودن فضای سیاسی، فقدان آزادی بیان، مساوی نبودن فرصت‌های ارتقاء، عدم امنیت اجتماعی و عدم امکان بروز شایستگی‌ها) با ضریب تأثیر ۰,۲۰۶- بر گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر داشته است. این یافته با نظریه‌های دوگانگی ساختاری، محرومیت نسبی و بحران منزلتی هماهنگی دارد. در ضمن با نتایج یافته‌های کیانی، جوادزاده، حسینی و بنگ و میترا مشابهت دارد. در ضمن عوامل مداخله‌گر در مقصد (شامل ترغیب اقوام و دوستان و شرکت در کنفرانس‌ها) و عوامل علمی در مبدأ (شامل کمبود امکانات آموزشی، وجود مشکلات پژوهشی، فقدان فضای علمی) به طور غیر مستقیم بر گرایش نخبگان به مهاجرت تاثیر دارند. این یافته با نتایج اسماعیل زاده و ذاکر صالحی مبنی بر نبود تسهیلات لازم برای پژوهش هم‌خوانی دارد.

با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که عمده‌ترین عامل موثر بر گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور، ضعف فضاهای علمی و پژوهشی در کشور، در مقایسه با امکانات و فضاهای علمی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشورهای توسعه یافته، بی‌توجهی به منزلت نخبگان و عدم حمایت از آنها، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی و عدم توجه به تخصص و شایستگی افراد در انتصاب‌ها است. با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که عوامل دافعه مبدأ در زمینه‌های علمی پژوهشی، اجتماعی و اقتصادی در کنار عوامل جاذبه علمی پژوهشی مقصد، گرایش روز افزون نخبگان به مهاجرت را دامن می‌زنند.

راهکارهای پیشنهادی برای جذب و نگه‌داشت نخبگان در کشور عبارتند از: حمایت علمی پژوهشی و مالی از نخبگان، بهره‌مندی از استعداد‌های افراد نخبه در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های

صنعتی، علمی و پژوهشی، تقویت و توسعه همه جانبه فضاهای علمی و پژوهشی کشور، استفاده از نتایج تحقیقات در کلیه برنامه‌های توسعه و عمرانی کشور، ایجاد بستر رشد و پیشرفت برای نخبگان مبتنی بر نظام شایسته سالاری و ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی در کشور.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳: صص ۴۳-۶۰.
- اساسنامه بنیاد ملی نخبگان (۸۴-۱۳۸۳) <https://www.bmn.ir/fa-IR/>
- اسماعیل زاده، علی اصغر و غلامرضا ذاکر صالحی، (۱۳۹۳)، بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره ۱۳، شماره ۲۶: صص ۴۵-۶۷
- جانعلیزاده چوب بستنی، حیدر، اکبر علیوردی نیا، و شیوا پورقاضی، (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۵: صص ۱۷۸-۱۵۲
- جواد زاده، پدرام (۱۳۹۴)، علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا، *مدیریت فرهنگی*، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۹۴-۱۱۰
- حسینی، سید خلیل، (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته، پایان نامه دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
- زنجانی، حبیب اله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- رصدخانه مهاجرت ایران و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (۱۳۹۸)، *پرونده مهاجرت گیت ایران: حقایق و مغالطه‌های پیرامون مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور*، تهران: دانش بنیان
فناور <https://www.bmn.ir/Asset/irangate.pdf>
- سلمانی، وحید و محمدعلی شریعت (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر تسهیلات و حمایت‌های بنیاد ملی نخبگان بر تمایل دانشجویان و دانش آموختگان صاحب استعدادها برتر و نخبه به مهاجرت، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، انجمن مدیریت ایران.

- سیدمیرزایی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، نگاهی به پدیده فرار مغزها، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۹۰: صص ۸۱-۹۷.
- کاظمی پور، شهلا، (۱۳۸۳)، زمینه‌ها و بسترهای علمی و اجتماعی فرار مغزها، مجموعه مقالات همایش مسائل، مشکلات و چشم‌اندازهای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی: صص ۱۲۱-۱۰۳
- کیانی، کوشا، رضا شهریاری پور؛ فرشید مرادی و حسین صدر (۱۳۹۷)، مدل سازی ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور در دانشگاه سمنان، *نامه آموزش عالی*، دوره ۱۱، شماره ۴۴: صص ۱۲۱-۱۵۱.
- گزارش عملکرد بنیاد ملی نخبگان (۱۳۹۷) / <https://www.bmn.ir/fa-ir/news/news/74603/>
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، *نظریات مهاجرت*، شیراز، انتشارات نوید
- محمودیان، وحید و محسن احمدی (۱۳۹۴)، *مهاجرت نخبگان*، نشر زاگرو، چاپ اول.
- میرترابی، سعید و سعید خاوری نژاد (۱۳۹۳)، علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۹، صص ۲۳۳-۱۹۹.
- Akman, V. (2011). "Factors Influencing International Student Migration: A Survey and Evaluators of Turkey's Case". *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 5(11): 390-415
- Bang, J. T. & A. Mitra (2011). "Brain Drain and Institutions of Governance: Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998". *Economic Systems*. 35(3): 335-354.
- Goldsmith, R. (1996). "Studying Temperament via Construction of the Toddler Behavior Assessment Questionnaire", *Child Development* 67(1): 218-235.
- Hercog, M. & M. van de Laar, (2017), "Motivations and Constraints of Moving Abroad for Indian Students", *Journal of International Migration and Integration* 18: 749-770.
- Lee, Everett S. (1996), "A Theory of Migration", *Demography*, 3(1): 47-57.
- Murakami, Y. (2010). "Japan's Brain Drain: An Analysis of Japanese Researchers Living in the United States". *The Japanese Economy*, 37(2): 23-57.
- Ribeiro, J. S., C. Conceição, J. Pereira, C. Leone, P. Mendonça, M. Temido, C. P. Vieira, & G. Dussault (2014). "Health professionals moving to...and from Portugal", *Health Policy*, 114(2,3): 97-108.
- Unesco (2015) Annual Report, 2015, <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000244391>
- United Nations, Population Division (2013). *International Migration Report*, Department of Economy and Social Affairs, Population Division

Original Research Article ■

Elite Attitudes Towards Social, Economic, and Scientific Factors at Origin and Destination and its Effect on their Tendency to Emigrate Abroad

Saeedeh Bozorgzad¹
Shahla Kazemipour²
Reza Ali Mohseni³

Abstract The purpose of this study is to assess the attitudes of elites under the auspices of the National Elite Foundation of Tehran Province about social, economic and scientific research factors in origin and destination as repulsive and attractive factors and how they affect the tendency of elites to emigrate abroad. The research method was qualitative and quantitative. In the qualitative section, 22 semi-structured and in-depth interviews were conducted with purposive sampling in 2018. The interviews were inductively coded, then categorized into subclasses and subcategories. The results of this stage showed that problems: social, economic, managerial, planning, legal and communication and technological infrastructures are among the factors repelling the migration of elites. In the quantitative section and survey method, 200 people were surveyed by cluster and quota methods. According to the theories of the world system, the pattern of cosmopolitanism, Lee and structural duality, dignity crisis, human capital and relative deprivation of factors affecting the migration of elites were explored. After regression analysis, it was observed that scientific, social and intervention factors in the destination and social factors at the origin affect the tendency of elites to emigrate abroad.

Keywords Elite, Tendency to Migration, Social Factors, Economic Factors, Scientific Research Factors.

Received : 02-12-2019

Accepted: 29-09-2020

1 PhD Candidate in Demography, Islamic Azad University (Central Tehran Unit). saeedehbozorgzad@gmail.com

2 Associate Professor, University of Tehran (Corresponding Author). skazemipour@gmail.com

3 Associate Professor in Sociology, Islamic Azad University (Central Tehran Unit). Mohseni.net14@gmail.com